

بررسی عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستایی حوزه نفوذ کلان شهرها (مطالعه موردی: روستاهای بیرق، هروی، حاج عبدال و دیزج لیلی خانی واقع در دره لیقوان استان آذربایجان شرقی)

محمد ظاهری^{*}، بهاره رحیمی پور^{*}

1391/02/11

تاریخ دریافت مقاله:

1392/10/01

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین شهرها با نواحی پیرامونی و از آن جمله نواحی روستایی واقع در حوزه نفوذ آنها، به مرور منجر به تغییرات مختلف در عرصه‌های گوناگون آنها می‌گردد. تغییرات ساختار جمعیتی (مهاجرت روستا-شهری، تخلیه جمعیتی روستاهای و) و تغییرات ساختار کارکردی و اقتصادی (متزلزل شدن اساس و بنیاد تولید کشاورزی و گسترش فعالیتهای حاشیه‌ای و غیر تولیدی و) از جمله آن‌هاست. در این میان از جمله تغییرات مهمی که عمدتاً متأثر از شهرها بوده و در دهه‌های اخیر در برخی از نواحی روستایی ایران مشاهده می‌شود، هماناً تغییرات کارکردی در آن‌هاست. نواحی روستایی حوزه نفوذ کلانشهر تبریز و از آن جمله روستاهای واقع در دره لیقوان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به دلیل شرایط خاص اکولوژیکی عرصه‌ای تکمیلی برای کلانشهر تبریز محسوب می‌شوند. به همین دلیل اینگونه روستاهای ضمن تأثیرپذیری از کلانشهر تبریز، تغییرات عمده‌ای را در ساختار کارکردی خود شاهد هستند. به احتمال زیاد وجود مشکلات و مضلات عدیده موجود در کلانشهر تبریز (اعم از گرانی زمین و مسکن، آلودگی بیش از حد هوا و سایر عوامل) به عنوان عوامل دافعه و در مقابل، ارزانی زمین و مسکن، پاکیزگی هوا، جاذبه‌های گردشگری و در مناطق روستایی به عنوان عوامل جاذب عمل کرده و برخی از شهربازی‌شناسان را به سکونت در روستاهای پیرامونی سوق می‌دهند. در این مقاله برای تبیین چگونگی تغییرات کارکردی صورت گرفته و عوامل تأثیرگذار بر آن، چهار روستا از روستاهای حوزه نفوذ کلانشهر تبریز به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هدف اصلی از تدوین مقاله حاضر، به دست آوردن شناخت دقیق و علمی در خصوص عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. مقاله حاضر علاوه بر اینکه داده‌های مهمی را در خصوص چگونگی این تغییرات به دست می‌دهد، بلکه کمک می‌کند تا برنامه‌ریزان با استناد به این داده‌ها بتوانند در جهت ساماندهی و برنامه‌ریزی کارکردی اینگونه روستاهای گام برداران. روش مطالعه مبتنی بر مطالعه میدانی (مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه‌های مختلف) می‌باشد. جهت بررسی و بیان روابط موجود بین متغیرهای تحقیق "روش توصیفی- تحلیلی" و برای بررسی آثار پیشین و تغییرات و تحولات صورت گرفته از روش "استنادی" استفاده می‌شود همچنین جهت تحلیل داده‌ها، از نرم افزار spss و از روش‌های آماری f.statistics و k.square و f.stats مطالعه بهره گرفته می‌شود. در نهایت، راهکارها و پیشنهادهایی جهت ساماندهی کارکردی روستاهای مورد مطالعه و به طور کلی روستاهایی که با اینگونه مسائل مواجه هستند، ارائه می‌شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه منطقی بین مهاجرپذیری روستاهای مورد مطالعه، نوع فعالیت اقتصادی و محل اشتغال سرپرستان خانوارها با تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه وجود دارد. نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به بزرگترین قطب جمعیتی، صنعتی و خدماتی شمال غرب کشور (شهر تبریز) و نیز شهر باسمنج و ارتباط سریع و آسان روستاهایی به این شهرها، مهاجرت افراد به روستاهای مورد مطالعه به دلیل ارزانی زمین و مسکن، انجام کار و فعالیت، تغییر در نوع فعالیت اقتصادی و محل اشتغال سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه باعث تغییر کارکرد روستاهای از کشاورزی به خدماتی، صنعتی و سکونتی-خوابگاهی شده است. واژگان کلیدی: تغییرات کارکردی، سکونتگاه‌های روستایی، حوزه نفوذ، دره لیقوان، آذربایجان شرقی.

* دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز. M_Zaheri@tabrizu.ac.ir

* کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تبریز.

- مقاله حاضر در چهارچوب طرح تحقیقاتی «تحلیلی بر تغییرات کارکردی در نواحی روستایی» می‌باشد که با اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه تبریز نگاشته شده است.

مقدمه

با رونق شهرنشینی و تمرکز جمعیت و فعالیت در شهرها بالاخص کلان شهرها، انبویی از مشکلات (اعم از بحران مسکن، بحران زیست محیطی و....) گریبان‌گیر این گونه شهرها شده است و برخی از ساکنان برای رهایی از این بحران‌ها، عرصه‌های تکمیلی اعم از حومه‌ها و نواحی روستایی پیرامون شهرها را برای اسکان خود انتخاب می‌کنند. چنین روستاهایی تغییرات عمده‌ای را در زمینه‌های مختلف از جمله تغییر ساختارهای جمعیتی، کارکردی و اقتصادی (متزلزل شدن اساس و بنیاد تولید کشاورزی و گسترش فعالیتهای حاشیه‌ای و غیر تولیدی و....) و نیز تغییرات مورفولوژیکی از طریق رشد و گسترش کالبدی تجربه می‌کنند.

در این میان تغییرات کارکردی روستاهای حوزه نفوذ از جمله تغییرات مهمی است که متأثر از شهرها بوده و در دهه‌های اخیر در برخی از نواحی روستایی ایران مشاهده می‌شود. نواحی روستایی حوزه نفوذ کلانشهر تبریز نیز از این قاعده مستثنی نیروde و تغییرات کارکردی قابل توجهی را تجربه می‌کنند. به احتمال زیاد وجود مشکلات و معضلات عدیده موجود در کلانشهر تبریز (اعم از گرانی زمین و مسکن، آسودگی بیش از حد هوا و سایر عوامل) به عنوان عوامل دافعه و ارزانی زمین و مسکن، پاکیزگی هوا، جاذبه‌های گردشگری و در مناطق روستایی به عنوان عوامل جاذبه عمل کرده و برخی از شهرنشینان را به سکونت در روستاهای پیرامونی سوق می‌دهند. ناگفته پیداست که در این تحرک و جابه‌جایی، گسترش شبکه‌های حمل و نقل و رشد فرازینده وسایل مکانیزه حمل و نقل نقش اساسی ایفا می‌کند. به دست آوردن شناخت دقیق و علمی در خصوص عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه، که هدف اصلی از پژوهش

پرسش‌های تحقیق

- آیا مهاجرپذیری نقش عمده‌ای در تغییرات کارکردی روستاهای ایفا می‌کند؟
- آیا نوع فعالیت اقتصادی و محل اشتغال سرپرستان خانوارها در تغییر کارکردی روستاهای مورد مطالعه تأثیرگذار بوده است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و توسعه‌ای، روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی و شالوده مطالعه مبتنی بر عملیات میدانی (مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه‌های مختلف) است. جامعه آماری آن را چهار روستای بیرق، هروی، حاج عبدال و دیزج لیلی خانی واقع در دره لیقوان شهرستان تبریز و نیز حوزه نفوذ کلان شهر تبریز تشکیل می‌دهد که براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد خانوارهای ساکن روستاهای مورد مطالعه برابر ۲۵۳۶ خانوار بوده است و از آنجا که مراجعت به تمامی خانوارها با توجه به محدودیت (عمدتاً مالی) مقدور نبوده، لذا نمونه آماری خانوارهای روستا براساس فرمول کوکران به شرح ذیل برآورد شده است:

پس از انجام مطالعات میدانی، جمع آوری داده ها و پردازش آنها، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های آماری توصیفی شامل توزیع فراوانی و جداول و در بخش استنباطی با توجه به سطوح اندازه‌گیری متغیرها از آزمون آماری کای اسکوایر (F-Square) و F-Statistics و... و از نرم افزار آماری SPSS استفاده شده است.

همچنین در پژوهش حاضر شاخص‌های سنجش تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه را شاخص‌هایی چون تحرکات جمعیتی اعم از سال مهاجرت، علل مهاجرت، تعداد مهاجرین، وضعیت فعالیت اقتصادی، نوع فعالیت اقتصادی و محل اشتغال سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه تشکیل می‌دهد.

چهارچوب نظری تحقیق

عوامل بنیادی تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاههای روستایی حوزه نفوذ شهرها عبارتند از:

شهرگرایی روستا

شهرگرایی حومه‌ها و نواحی روستایی فرایندی اجتماعی است که شامل گسترش ایده‌ها و شیوه‌های زندگی شهری در نواحی روستایی می‌باشد و مشخص ترین حالت آن، حرکت جمعیت از شهرها به نواحی روستایی است (Glass, 1963:487). این پدیده که ناشی از گسترش روابط شهر و روستاست، می‌تواند از طریق شکل‌گیری و گسترش کارکردهای تفریحی و سکونتی در نواحی روستایی به وجود آید. در این حالت با وجود مرز فیزیکی مشخص در کاربری اراضی شهری و روستایی، شهرگرایی باعث می‌شود که حتی در کشورهای دارای قوانین برنامه‌ریزی محکم، تمایز شهر و روستا از لحاظ عملکرد و نیز اجتماعی کمنگ شود (Pacion, 1985: 183-185). افزایش وابستگی‌های شهر و روستا از جمله عواملی است که می‌تواند طبیعت روستا را با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی روبرو کند و

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$n = \frac{\frac{3.84(0.25)}{0.0025}}{1 + \frac{1}{2536} \left(\frac{(1.96)^2(0.5)(0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right)} = \frac{384}{1.15} = 334$$

n - حجم نمونه مورد نیاز

N - تعداد کل جامعه آماری = 2536

T² - درصد احتمال صحت گفتار (وقتی که سطح

معنی داری آزمون برابر با 0.05 باشد مساوی می‌باشد).

P - احتمال وجود صفت در جامعه آماری = 0.5

q - احتمال عدم وجود صفت = 0.5

d² - مقدار خطای نمونه گیری = 0.0025 = 0.05

شایان ذکر است هر چند تعداد خانوارهای نمونه براساس فرمول کوکران 334 خانوار برآورد شده است اما تعداد خانوارهای مورد مطالعه بیشتر و به تعداد 503 خانوار انتخاب شده است. انتخاب و مطالعه خانوارهای مزبور با استفاده از شیوه نمونه‌گیری سیستماتیک بوده است (جدول شماره 1).

درصد	تعداد خانوارهای نمونه روستا	نام روستا
27.8	140	بیرق
12.5	63	حاج عبدال
34.8	175	دیزج لیلی خانی
24.9	125	هروی
100	503	جمع

ج 1. توزیع درصد خانوارهای مورد مطالعه به تفکیک روستاهای مورد مطالعه. مأخذ: مطالعات میدانی

به تدریج تغییرات عدیدهای را بر روستا تحمیل نماید (Hall & Page, 2002: 220).

ارتباط اقتصادی

ارتباط فیزیکی

تحولات و دگرگونی‌هایی که به ویژه در سالهای اخیر در زمینه استفاده از وسیله نقلیه به صور گوناگون و به عنوان یک پدیده کاملاً جدید به وقوع پیوسته است، عامل دیگری برای ایجاد ارتباط شهر و روستا بوده و ضمن تحکیم روابط اقتصادی، خواه ناخواه در تغییرات کارکردی بین آن‌ها نیز تأثیرگذار بوده است.

در حال حاضر گسترش راهها و وسایل ارتباطی به ارتباط تنگاتنگ شهر و روستا و به تأثیر متقابل این دو واحد جغرافیایی در هم انجامیده و سیمای نوینی از ساختار سکونتگاه انسانی به نام روستا شهرها (RURBAINES) شکل گرفته است. در این فضاهای ویژگی‌ها و فعالیتهای شهری و روستایی در هم آمیخته است. در کشورهای جهان سوم روستاهایی که در میدان عمل و رشد شتاب آلود شهرها قرار می‌گیرند، در زمانی کوتاه بر اثر چنگ اندازی شهریان نه تنها با تغییر سیما و نقش خود به بخشی از نیازهای جامعه شهری پاسخ می‌دهند، بلکه خود به شکل شهری تمام عیار درمی‌آیند (فرید، 1379: 376-377) و براین اساس است که امروزه شهرنشینان و شهرسازان مطالعات خود را منحصرأ روی فضای ساخته شهرها انجام نمی‌دهند، بلکه بررسی خود را به سوی روستاهایی که زیر آرواههای شهر به سادگی خرد و بلعیده می‌شوند، گسترش می‌دهند (Bonnamour, 1973).

تحرک جمعیتی

حرکت‌های مکانی با پیشرفت‌های تکنولوژی و توسعه اقتصادی جوامع نسبت به گذشته افزایش یافته

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستایی همانا ارتباط اقتصادی آن‌ها با جوامع شهری است (شکویی، 1379: 270). گفتنی است تفاوت‌های مکانی منابع اقتصادی موجب اختلاف در چشم اندازهای شهری و روستایی شده و در این رابطه هریک از شهرها و روستاهای بافت اقتصادی خاص منطقه‌ای خود را گرفته و نقش و عملکرد خود را نیز از همان شرایط باز یافته است (رضوانی، 1382: 143). در این میان، هر چند مراکز شهری از نظر اقتصادی به حوزه نفوذ خود وابسته است، اما در روابط شهر و روستا، فعالیتهای مبادله‌ای و از آن جمله مبادلات تجاری و اشتغال مهاجران اساس کار به شمار می‌رود، در این میان، وجود بازارهای مناسب برای تولیدات و کالاهای کشاورزی، به جهت وجود تنوع تولید، وجود فرصت‌های شغلی فراوان در شهرها از جمله مواردی هستند که بر روابط شهر و روستا تأثیرگذارند (شکویی، 1379: 296). گفتنی است در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه جریان عمده‌ای که مشهود است همانا انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیرکشاورزی است، این جریان به دو شکل صورت می‌گیرد:

الف) شکل اول همراه است با انتقال نیروی کار از مناطق روستایی به مناطق شهری که موجب بروز مشکلات عدیده هم در مناطق روستایی و هم در مناطق شهری شده است (تودارو، 1378).

ب) شکل دوم، انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیرکشاورزی در خود روستا و مناطق

از جمله این مطالعات، «توسعه تهران، دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف» (رهنمایی، ۱۳۶۹، صص ۵۳-۲۴) و «گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری» (نظریان، ۱۳۷۰، صص ۱۳۹-۹۷) می‌باشد که بر تأثیر بی‌چون و چرای گسترش فضای فیزیکی و نیروی انسانی شهر تهران در روستاهای حوزه نفوذ تأکید دارد و گسترش انفجارگونه و لجام گسیخته شهر تهران را سبب نابودی روستاهای اطراف و از بین رفتن فضای زیستی و گذراندن اوقات فراغت جمعیت پایتخت نشین قلمداد می‌کنند. «دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی» (سلیمانی، ۱۳۸۱، صص ۱۵۰-۱۲۷) براین موضوع اشاره دارد که تجمع واحدهای صنعتی در نزدیکی یا در حوزه نفوذ شهرها، دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی و تغییرات کالبدی-فضایی و زیست محیطی در مقیاس محلی و منطقه‌ای به دنبال داشته است که این تغییرات از یک سو تابع ویژگی‌های محیطی و توان طبیعی و مقتضیات تاریخی و اقتصادی-اجتماعی و نظام سیاسی حاکم بر کشور و منطقه است و از سوی دیگر به اهداف، اندازه، کارکرد و بهویژه الگوی مکانیابی مجتمع‌ها و شهرهای جدید در فضای باز بر می‌گردد. «تجارت فرامرزی، سیطره شهری و تغییر کارکرد روستایی نمونه موردنی: ناحیه روستایی زاهدان» (افراحته، ۱۳۸۴) عنوان مطالعه دیگری است که نشان می‌دهد در اثر توسعه فرامرزی و سیطره روزافزون مراکز شهری (شهر زاهدان)، کارکرد سنتی ناحیه روستایی زاهدان تغییر کرده است. کشاورزی از تولید نیازهای مصرفی مردم فاصله گرفته است. سکونتگاههای روستایی نقش خوابگاهی دارند و درآمد بدست آمده از فعالیتهای تجارتی رکن اساسی اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد اما به دلیل نبود سازماندهی فعالیتهای تجارتی، روستائیان در واقع حق العمل کار تجار

است. وسائل مکانیزه حمل و نقل در جابه‌جایی انسانها نقش چشمگیری داشته و به خصوص اینکه سرعت و آسایش در وسائل نقلیه به جابه‌جایی انسان شتاب بیشتری داده و تحرک فزاینده‌ای برای انسان فراهم آورده است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۷۳). تحرک جمعیتی از جمله عوامل مؤثر در ایجاد روابط متقابل شهر و روستاست، زیرا در یک ناحیه جغرافیایی، تحرک‌های جمعیتی، چه از طریق مهاجرتهای دائمی و چه از طریق آمد و شدهای روزانه بین محل مسکونی و محل کار، باعث تشکیل ارتباط فضایی بین شهر و حوزه‌های روستایی می‌شود. در صورت دسترسی به اشتغال دائم و مزد بیشتر در شهر، امکانات تحصیل و دسترسی به خدمات عمومی، مهاجرت‌های دائمی صورت می‌گیرد (شکری، ۱۳۷۹: ۲۷۲). هر چند شکل مسلط مهاجرتهای داخلی، عمدتاً مهاجرت روستا- شهری است، لذا در سالهای اخیر نتایج سرشماریهای برخی از کشورها، به ظهور روند جدید مهاجرت داخلی که عمدتاً تحت عنوان برگشت جمعیت یا جریان ضد شهرنشینی (Counter-City) نامیده می‌شود، اشاره داشته‌اند (Berry, 1976: 18). به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا که از بالاترین درصد شهرنشینی و تحرک جمعیتی (شهر به شهر یا از شهر به روستا) برخوردار می‌باشد، خانوارها هر پنج سال یکبار تغییر مکان می‌دهند (طی سالهای ۲۰۰۰- ۱۹۹۹/۴ میلیون نفر جابه‌جا شده‌اند (Tumertekin, 2004: 259).

پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر به جز مطالعات محدود به عمل آمده که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد، مطالعات و تحقیقات دقیق علمی و در عین حال گسترهای صورت نگرفته است.

شهری‌اند. تجار شهری از فرصت استفاده کرده سهمیه‌ای را که دولت جهت تأمین معیشت روستائیان اختصاص داده‌اند، تصاحب کرده و نوعی تجارت متکی بر یارانه سامان می‌دهند. آن‌ها کالاهای مصرفی و کشاورزی وارد می‌کنند که این امر موجب تضعیف بنیان اقتصادی منطقه شده و نقشی منفی در توسعه ناحیه ایفاء می‌کند. مقاله دیگر در این رابطه «شهرگریزی و تغییرات کارکردی در نواحی روستایی شمال تهران» (رضوانی، ۱۳۸۶، صص ۲۴-۱۲) است که ضمن تأکید بر تحول روابط شهر و روستا و بروز پدیده شهرگریزی موقت و دائمی به تأثیرگذاری این امر بر تغییرات عملکردی گسترده در ناحیه رودبار قطران اشاره دارد. نتیجه حاصل اینکه شکل‌گیری کارکردهای جدید گردشگری، سکونتی و صنعتی و جایگزینی آن‌ها به جای کارکردهای سنتی ناحیه یعنی کشاورزی و دامداری از جمله این تغییرات بوده است و از آنجا که این تغییرات براساس طرح و برنامه و مدیریت مؤثر نبوده است لذا آثار و پیامدهای نامطلوبی در ناحیه به جای گذاشته است.

یافته‌های توصیفی تحقیق

الف: وضعیت مهاجرت خانوارهای مورد مطالعه (درون کوچان)

سال مهاجرت (درون کوچان)

بررسی مقطع زمانی درون کوچی خانوارها نشان می‌دهد که مهاجرت ۸/۳ درصد کل خانوارهای درون کوچ، مربوط به سالهای قبل از ۱۳۵۵ و ۳/۴ درصد مربوط به بین سالهای ۵۶-۶۵ بوده است. این میزان برای سالهای ۷۵-۶۶ برابر ۱۷/۹ درصد را نشان می‌دهد. از سال ۱۳۷۵ به بعد درون کوچی به روستاهای مورد مطالعه از روند رو به فزونی برخوردار شده است. به طوری که میزان درون کوچی طی سالهای ۷۶-۸۵ و ۸۵

به بعد به ترتیب به ۴۲/۸ و ۲۷/۶ درصد می‌رسد. به عبارت دیگر ۷۰/۵ درصد درون کوچان بعد از سال ۷۵ به روستاهای مهاجرت کرده‌اند (جدول شماره ۲).

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که در روستای بیرق ۲۳/۶ درصد درون کوچان قبل از سال ۱۳۶۵ به روستا مهاجرت کرده‌اند. مهاجرت ۱۱/۸ درصد آن‌ها بین سالهای ۷۵-۶۶ و ۴۱/۱ درصد طی سالهای ۸۵-۷۶ و ۲۳/۵ درصد نیز در سه سال اخیر (۱۳۸۸-۱۳۸۶) اتفاق افتاده است.

در روستای حاج عبداله ۹/۱ درصد درون کوچان بین سالهای ۶۵-۵۶ و ۱۸/۲ درصد نیز طی سالهای ۷۵-۶۶ به روستا مهاجرت کرده‌اند. اغلب مهاجران بعد از سال ۱۳۷۵ به این روستا مهاجرت کرده‌اند به طوری که این تعداد به ترتیب در سالهای ۸۵-۷۶ و بعد از سال ۱۳۸۰ ۵۹/۱، ۱۳۸۰ و ۱۳/۶ درصد را نشان می‌دهد.

در روستای دیزج لیلی خانی نیز همانند دیگر روستاهای در سالهای قبل از ۱۳۷۵، میزان درون کوچی اندک بوده است. به طوری که ۲۱/۲ درصد مهاجرین قبل از این سال به روستا مهاجرت کرده‌اند، حال آنکه بعد از این سال بر تعداد درون کوچان افزوده شده و حتی بین سالهای ۸۵-۷۶ این میزان به ۵۱/۹ درصد می‌رسد. ۲۶/۹ درصد درون کوچان مورد مطالعه در سه سال اخیر به روستا مهاجرت کرده‌اند.

در روستای هروی در سالهای قبل از ۱۳۶۵ تنها ۱۵/۴ درصد مهاجران به روستا نقل مکان کرده‌اند. از این سال به بعد بتدریج بر تعداد درون کوچان افزوده شده است به طوری که ۳۰/۷ درصد درون کوچان بین سالهای ۷۵-۶۶، ۱۵/۴ درصد طی سالهای ۸۵-۷۶ و ۳۸/۵ درصد بقیه نیز بعد از سال ۱۳۸۵ به این روستا مهاجرت کرده‌اند (جدول شماره ۲).

ج. ۲. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس سال مهاجرت به تفکیک روستاهای مورد مطالعه.

مأخذ: مطالعات میدانی

درصد و عامل ازدواج با $11/8$ درصد در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. عامل اصلی درون کوچی خانوارهای مورد مطالعه در روستای حاج عبداله همانند روستای بیرق عامل تأمین زمین و مسکن ارزان قیمت در روستا بوده است ($72/7$ درصد). انجام کار و فعالیت در روستا ($18/3$ درصد) و عواملی چون وابستگی خانوادگی و ازدواج هر کدام با $4/5$ درصد در اولویت بعدی قرار گرفته‌اند. در روستای دیزج لیلی خانی، تأمین زمین و مسکن ارزان قیمت، انگیزه درون کوچی $75/0$ درصد خانوارها بیان شده است. انجام کار و فعالیت در روستا با $11/5$ درصد و عامل ازدواج با $7/7$ درصد و وابستگی خانوادگی $5/8$ درصد انگیزه‌های درون کوچی مطرح شده‌اند. در روستای هروی دو عامل تأمین زمین و مسکن ارزان و انجام کار و فعالیت در روستا هر کدام با $38/5$ درصد بیشترین عوامل درون کوچی بیان شده‌اند. ازدواج به عنوان سومین عامل ذکر شده است ($15/3$ درصد). عامل وابستگی خانوادگی با $7/7$ درصد کمترین میزان در خصوص انگیزه درون کوچی بیان شده است. (جدول ۳)

علل مهاجرت (درون کوچان)

نتایج بررسیها نشان می‌دهد که علت مهاجرت حدود $60/0$ درصد از درون کوچان به روستاهای مورد مطالعه، تأمین زمین و مسکن ارزان بوده است. انجام کار و فعالیت در روستا به عنوان دومین عامل از طرف درون کوچان مطرح شده است. این عامل علت درون کوچی $21/4$ درصد مهاجرین را به خود اختصاص می‌دهد. ازدواج و وابستگی خانوادگی هر کدام با $9/6$ درصد به عنوان عوامل تأثیرگذار بر درون کوچی خانوارهای مورد مطالعه بوده است (جدول شماره ۳).

تدقیق در ارقام این واقعیت را نشان می‌دهد که $59/4$ درصد درون کوچانی که علت مهاجرت خود را تأمین زمین و مسکن ارزان در روستا بیان نموده‌اند بی هیچ شباهی نزدیکی به محل کار و فعالیت در این امر تأثیرگذار بوده است. در روستای بیرق عامل اصلی درون کوچی خانوارهای مورد مطالعه با $35/3$ درصد تأمین زمین و مسکن ارزان قیمت بوده است. وابستگی خانوادگی با $23/5$ درصد، انجام کار و فعالیت در روستا با $29/4$

درصد	جمع کل	هروي		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاهای سال مهاجرت
		درصد	فراآنی	درصد	فراآنی	درصد	فراآنی	درصد	فراآنی	
8.3	12	15.4	5	5.8	3	-	-	17.6	4	قبل از 1355
3.4	5	-	-	1.9	1	9.1	2	6.0	2	56-65
17.9	26	30.7	10	13.5	8	18.2	5	11.8	3	66-75
42.8	62	15.4	5	51.9	32	59.1	15	41.1	10	76-85
27.6	40	38.5	14	26.9	17	13.6	3	23.5	6	بعد از 1385
100	145	100	34	100	61	100	25	100	25	جمع

تعداد مهاجرین (درون کوچان)

روستای بیرق، 39/7 درصد در روستای حاج عبدالال، 34/9 درصد در روستای دیزج لیلی خانی و 27/2 درصد نیز در روستای هروی جزو درون کوچان می‌باشند. نکته قابل ذکر دیگر اینکه نوع و وضعیت مهاجرت 100 درصد درون کوچان به صورت درون کوچی جمعی و نیز دائم می‌باشد. (جدول شماره 4) یافته‌اند. از کل خانوارهای مورد مطالعه 17/8 درصد در

از کل خانوارهای نمونه مورد مطالعه 503 از کل خانوار (28/8 درصد) جزو خانوارهای درون کوچ بهشمار می‌روند. این تعداد خانوار به تدریج به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت کرده و در آن اسکان یافته‌اند. از کل خانوارهای مورد مطالعه 17/8 درصد در

درصد	جمع کل	هروي		دیزج لیلی خانی		حاج عبدالال		بیرق		روستاهای علت مهاجرت
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
59.4	86	38.5	13	75.0	46	72.7	18	35.3	9	تأمین زمین و مسکن ارزان
21.4	31	38.5	13	11.5	7	18.3	5	23.5	6	انجام کار و فعالیت در روستا
9.6	14	15.3	5	7.7	5	4.5	1	11.8	3	ازدواج
9.6	14	7.7	3	5.8	3	4.5	1	29.4	7	وابستگی‌های خانوادگی
100	145	100	34	100	61	100	25	100	25	جمع

ج 3. توزیع درصد انگیزه درون کوچی خانوارهای مورد مطالعه به تفکیک روستاهای.

مأخذ: مطالعات میدانی

درصد	جمع کل	هروي		دیزج لیلی خانی		حاج عبدالال		بیرق		روستاهای وضعیت اسکان
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
71.2	358	72.8	91	65.1	114	60.3	38	82.2	115	بومی
28.8	145	27.2	34	34.9	61	39.7	25	17.8	25	درون کوچ
100	503	100	125	100	175	100	63	100	140	جمع

ج 4. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس وضعیت اسکان به تفکیک روستاهای مورد مطالعه.

مأخذ: مطالعات میدانی

مهمترین این فعالیت‌ها بوده است (ج شماره ۸). بعد از بخش خدمات، بخش صنعت بیشترین شاغلین را به خود جذب کرده به طوری که از کل شاغلین ۲۳/۵ درصد در این بخش مشغول به کار هستند. گفتنی است از این میزان به ترتیب ۲۰/۹ درصد به قالیبافی و ۱۱/۶ درصد به صنعت اختصاص دارد. بخش کشاورزی در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی کمترین شاغلین را در بر می‌گیرد به گونه‌ای که تنها ۱/۱۸ درصد کل شاغلین در این بخش مشغول به کار می‌باشند. سهم عمده‌ای از این نسبت (۱۱/۶ درصد) مربوط به امر زراعت بوده و بخش دامداری و باغداری به ترتیب ۵/۱ و ۱/۴ درصد شاغلین را شامل می‌شود.

تدقيق در جدول ۶ و نمودار ۱ این واقعیت را نشان می‌دهد که به استثنای روستای بیرق در روستاهای مورد مطالعه، بخش خدمات در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی بیشترین سهم از شاغلین را به خود اختصاص داده است. به گونه‌ای که این سهم در روستاهای هروی، دیزج لیلی خانی و حاج عبدالال به ترتیب ۵۷/۷، ۵۷/۸ و ۵۵/۶ درصد می‌باشد. کمترین میزان در روستای بیرق (۲۹/۳) درصد مشاهده می‌شود.

ب: ویژگی‌های اقتصادی سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه

وضع فعالیت اقتصادی سرپرستان خانوار نتایج بررسی نشان می‌دهد که از کل سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه ۴۳۱ نفر (۸۵/۷ درصد) شاغل و ۷۲ نفر (۱۴/۳) درصد بقیه بیکار بوده‌اند. این سهم در روستای بیرق، به ترتیب ۸۷/۱ و ۱۲/۹ درصد، در روستای حاج عبدالال ۷۹/۴ و ۲۰/۶ درصد، در روستای دیزج لیلی خانی ۹/۸۶ و ۱/۱۳ درصد و در روستای هروی ۲/۸۳ و ۸/۱۶ درصد می‌باشد. (جدول شماره ۵)

نوع فعالیت اقتصادی سرپرستان خانوارها شغل فعلی

در روستاهای مورد مطالعه تعداد شاغلین در بخش خدمات در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی سهم قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهند به طوری که شغل ۴۹/۴ درصد کل شاغلین را شامل می‌شود (ج ۶ و ج ۷). کارگری (۲۳/۲ درصد)، رانندگی (۱۲/۳ درصد) و مغازه‌داری (۵/۶ درصد)، کاردولتی (۴/۹ درصد) و واسطه‌گری (۲/۵ درصد) به ترتیب اهمیت از جمله

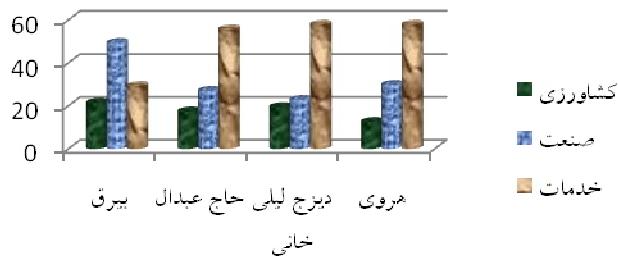
درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدالال		بیرق		روستاهای شغل
		درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	
85.7	431	83.2	104	86.9	152	79.4	50	89.3	125	شاغل
14.3	72	16.8	21	13.1	23	20.6	13	10.7	15	بیکار (غیرفعال- اقتصادی)
100	503	100	125	100	175	100	63	100	140	جمع

ج ۵. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس وضع فعالیت در روستاهای مورد مطالعه.

مأخذ: مطالعات میدانی

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها	نوع فعالیت
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
18.1	78	12.5	13	19.4	29	17.4	9	21.4	27	کشاورزی	
32.5	140	29.8	31	22.8	35	27	13	49.3	61	صنعت	
49.4	213	57.7	60	57.8	88	55.6	28	29.3	37	خدمات	
100	431	100	104	100	152	100	50	100	125	جمع	

ج.6. توزیع درصد سرپرستان مورد مطالعه براساس شغل فعلی در بخش‌های مختلف فعالیت اقتصادی به تفکیک روستاها.
مأخذ: مطالعات میدانی



ن.1. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای درون کوچ در فعالیتهای مختلف اقتصادی براساس شغل فعلی به تفکیک روستاها.

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها	شغل اصلی
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
11.6	50	8.6	9	15.8	24	6.0	3	11.2	14	زراعت	
5.1	22	3.8	4	1.9	3	4.0	2	10.4	13	دامداری	
1.4	6	-	-	1.3	2	8.0	4	-	-	باگداری	
20.9	90	14.4	15	10.5	16	12.0	6	42.4	53	قالیبافی	
11.6	50	15.4	16	12.5	19	14.0	7	6.4	8	صنعت	
6.5	28	12.5	13	5.9	9	4.0	2	3.2	4	مغازه‌داری و تجارت	
23.2	100	20.3	21	23.2	35	38.0	19	20.0	25	کارگری	
4.9	21	7.7	8	5.3	8	6.0	3	1.6	2	دولتی	
12.3	53	13.5	14	21.0	32	6.0	3	3.2	4	رانندگی	
2.5	11	3.8	4	2.6	4	2.0	1	1.6	2	واسطه‌گری	
100	431	100	104	100	152	100	50	100	125	جمع	

ج.7. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه براساس شغل فعلی در فعالیتهای مختلف اقتصادی و به تفکیک مشاغل.
مأخذ: مطالعات میدانی

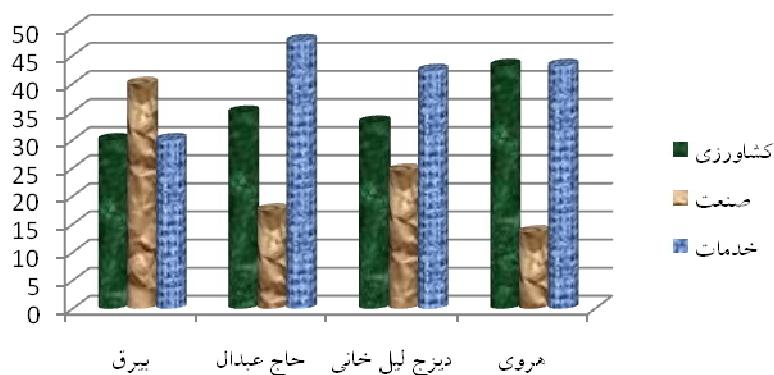
شغل قبلی
در روستاهای مورد مطالعه از کل سرپرستان خانوارها (۵۰۳ نفر)، شغل قبلی ۳۵ درصد در بخش کشاورزی، ۲۵/۲ درصد در بخش صنعت و ۳۹/۸ درصد در بخش خدمات بوده است. این میزان در روستای بیرق به ترتیب ۳۰/۰ و ۴۰/۰ و ۳۰/۰ در روستای حاج عبدالعزیز ۱۷/۵ و ۳۴/۹ و ۴۷/۶ در روستای دیزج لیلی خانی ۱/۳۳ و ۴۲/۳ و ۴۲/۶ در روستای هروی ۱۳/۶ و ۴۳/۲ و ۴۳/۲ درصد بوده است. (جدول ۸ و نمودار ۲)

در بخش صنعت نیز روستای بیرق با ۴۹/۳ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهد. روستاهای هروی، حاج عبدالعزیز و دیزج لیلی خانی به ترتیب با ۲۹/۸ و ۲۷/۰ و ۲۲/۸ درصد در مقایسه با روستای بیرق از شاغلین کمتری در این بخش برخوردار می‌باشند. هر چند بخش کشاورزی در کل منطقه کمترین میزان اشتغال را به خود اختصاص می‌دهد اما سهم شاغلین این بخش در روستای بیرق (۲۱/۴ درصد)، در مقایسه با درصد شاغلین روستاهای حاج عبدالعزیز (۱۷/۴ درصد)، دیزج لیلی خانی (۱۹/۴ درصد) و هروی (۱۲/۵ درصد) بیشتر است.

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدالعزیز		بیرق		نوع فعالیت روستاهای
		درصد	فرآونی	درصد	فرآونی	درصد	فرآونی	درصد	فرآونی	
35.0	176	43.2	54	33.1	58	34.9	22	30.0	42	کشاورزی
25.2	127	13.6	17	24.6	43	17.5	11	40.0	56	صنعت
39.8	200	43.2	54	42.3	74	47.6	30	30.0	42	خدمات
100	503	100	125	100	175	100	63	100	140	جمع

ج ۸. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس شغل قبلی در بخش‌های مختلف فعالیت اقتصادی به تفکیک روستاهای.

مأخذ: مطالعات میدانی



ن ۲. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس شغل قبلی در بخش‌های مختلف فعالیت اقتصادی به تفکیک روستاهای.

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاهای شغل اصلی
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
23.7	119	32.8	41	26.3	46	17.5	11	15.0	21	زراعت
7.7	39	7.2	9	4.0	7	7.9	5	12.8	18	دامداری
3.6	18	3.2	4	2.8	5	9.5	6	2.2	3	باغداری
18.1	91	3.2	4	17.8	31	4.8	3	37.9	53	قالیبافی
7.1	36	10.4	13	6.8	12	12.7	8	2.1	3	صنعت
4.4	22	8.8	11	4.0	7	1.6	1	2.1	3	مغازه داری
17.9	90	15.2	19	16.1	28	27.0	17	18.7	26	کارگری
6.4	32	8.0	10	6.3	11	12.7	8	2.1	3	دولتی
10.3	52	11.2	14	14.8	26	4.7	3	6.4	9	رانندگی
0.8	4	-	-	1.1	2	1.6	1	0.7	1	واسطه گری
100	503	100	125	100	175	100	63	100	140	جمع

ج ۹. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه براساس شغل قبلی در فعالیتهای مختلف اقتصادی و به تفکیک مشاغل.

مأخذ: مطالعات میدانی

در تعداد شاغلین بخش صنعت نیز به استثنای روستای دیزج لیلی خانی که به میزان ۲/۲ درصد کاهش مشاهده می شود، در بقیه روستاهای تعداد شاغلین افزایش یافته است. در تعداد شاغلین بخش خدمات به استثنای روستای بیرق که کاهش ۰/۷ درصدی در آن صورت گرفته در دیگر روستاهای افزایش قابل توجهی مشاهده می شود به گونه ای که در روستای حاج عبدال این سهم از ۴۷/۶ به ۵۵/۶ درصد، در روستای دیزج لیلی خانی از ۴۲/۳ به ۵۷/۸ درصد و در روستای هروی از ۴۳/۲ به ۵۷/۷ درصد افزایش پیدا کرده است. ارقام نشان دهنده این است که بیشترین تغییرات این بخش در روستای دیزج لیلی خانی اتفاق افتاده است.

جدول شماره ۱۰ نشان می دهد که در روستاهای مورد مطالعه سهم شاغلین در بخش کشاورزی از ۳۵/۰ به ۱۸/۱ درصد کاهش یافته و در بخش صنعت از ۲۵/۲ به ۳۲/۵ درصد و در بخش خدمات از ۳۹/۸ به ۴۹/۴ درصد افزایش پیدا کرده است.

این تغییرات به تفکیک روستاهای مورد مطالعه به شرح ذیل می باشد:

هر چند در تمامی روستاهای در تعداد شاغلین بخش کشاورزی کاهش مشاهده می شود، لیکن میزان این کاهش در روستای هروی بسیار قابل توجه می باشد، به گونه ای که تعداد شاغلین از ۴۳/۲ درصد به ۱۲/۵ درصد کاهش یافته است.

جمع کل		هروی		لیلی خانی		دیزج		حاج عبدال		بیرق		روستاهای نوع فعالیت
فعالی	قبلی	فعالی	قبلی	فعالی	قبلی	فعالی	قبلی	فعالی	قبلی	فعالی	قبلی	
18.1	35.0	12.5	43.2	19.4	33.1	17.4	34.9	21.4	30.0	كشاورزی		
32.5	25.2	29.8	13.6	22.8	24.6	27.0	17.5	49.3	40.0	صنعت		
49.4	39.8	57.7	43.2	57.8	42.3	55.6	47.6	29.3	30.0	خدمات		

ج ۱۰. مقایسه درصد تغییرات صورت گرفته در توزیع شاغلین در فعالیتهای عمده اقتصادی نسبت به شغل قبلی.

مأخذ: مطالعات میدانی

جدول شماره ۱۲ توزیع محل اشتغال اصلی (فعالی) سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه در روستاهای تبریز نتایج مطالعات نشان می‌دهد که شهرهای تبریز ۲۷/۴ درصد، شهر باسمنج (۴/۹ درصد)، اهر (۰/۵ درصد) و شهرهای سردرود و تهران (۰/۴ درصد) به ترتیب اولویت محل اشتغال فعلی سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. از مجموع ۶۶/۸ درصد شاغلین در روستا، تنها محل اشتغال ۰/۷ درصد آن‌ها دیگر روستاهای می‌باشد (جدول ۱۱).

محل اشتغال ۱۷/۶ درصد خانوارهای روستای بیرق را کلان شهر تبریز می‌باشد. محل اشتغال ۲/۴ درصد خانوارها شهر باسمنج و ۸۰/۰ درصد بقیه، خود روستا است. در روستای حاج عبدال محل اشتغال ۳۴/۰ درصد خانوارها، کلانشهر تبریز و محل اشتغال ۸/۰ درصد خانوارها، شهرهای دیگر است و این میزان در سرپرستانی که در خود روستا مشغول به کار هستند حدود ۵۸/۰ درصد را نشان می‌دهد. در روستای دیزج لیلی خانی محل اشتغال ۳۷/۶ درصد خانوارهای مورد مطالعه را کلانشهر تبریز، ۳/۹ درصد را شهر اهر، ۱/۳ درصد را روستاهای دیگر و ۵۵/۹ درصد، خود روستا می‌باشد. در روستای هروی در حالی که محل اشتغال ۶۹/۲ درصد خانوارهای مورد مطالعه خود روستا است، ۲۷/۰ درصد سرپرستان خانوارها در شهر تبریز و ۳/۸ درصد دیگر در شهر باسمنج مشغول به کار می‌باشند (جدول شماره ۱۲).

به طوری که مشاهده شد در اغلب روستاهای محل اشتغال قابل توجهی از سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه را شهرها و بالاخص کلانشهر تبریز به خود

ج: محل اشتغال خانوارهای مورد مطالعه توزیع محل اشتغال فعلی سرپرستان خانوارها

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که شهرهای تبریز ۲۷/۴ درصد، شهر باسمنج (۴/۹ درصد)، اهر (۰/۵ درصد) و شهرهای سردرود و تهران (۰/۴ درصد) به ترتیب اولویت محل اشتغال فعلی سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. از مجموع ۶۶/۸ درصد شاغلین در روستا، تنها محل اشتغال ۰/۷ درصد آن‌ها دیگر روستاهای می‌باشد (جدول ۱۱).

محل اشتغال	فرماںی	درصد
تبریز	۱۱۸	۲۷.۴
روستاهای مورد مطالعه	۲۸۵	۶۶.۱
شهر باسمنج	۲۱	۴.۹
شهر اهر	۲	۰.۵
شهر سردرود	۱	۰.۲
شهر تهران	۱	۰.۲
دیگر روستاهای جمع	۳	۰.۷
جمع	۴۳۱	۱۰۰

ج ۱۱. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد

مطالعه براساس محل اشتغال فعلی.

مأخذ: مطالعات میدانی

روستاهای شامل می‌شد. درصد سرپرستانی که محل استغلال قبلی آن‌ها را شهر باسمنج بود برابر $4/6$ درصد را نشان می‌دهد. شهر تهران با $0/4$ درصد و شهرهایی چون هشتگرد، بستان آباد، اندیمشک، رامسر و سردرود هر کدام با $0/2$ درصد و در مجموع با $1/0$ درصد محل استغلال قبلی سرپرستان را به خود اختصاص می‌دادند. گفتنی است که $0/4$ درصد نیز در دیگر روستاهای استغال داشته‌اند.

اختصاص می‌دهد. خواه ناخواه نزدیکی روستاهای به شهر مزبور و نیز شهر باسمنج از عوامل تأثیرگذار در این امر به شمار می‌رود. به عبارت دیگر روستاهای مورد مطالعه برای این تعداد عمده‌تاً به عنوان خوابگاه و محل اقامت قلمداد می‌شود.

توزیع محل استغال قبلی سرپرستان خانوارها

محل استغال قبلی $22/5$ درصد سرپرستان خانوارها را کلانشهر تبریز و $71/1$ درصد را نیز خود

مروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاهای محل استغال
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
-	-	-	-	-	-	80.0	100	روستای بیرق
27.0	28	37.6	57	34.0	17	17.6	22	شهر تبریز
3.8	4	3.9	6	4.0	2	2.4	3	شهر باسمنج
-	-	-	-	58.0	29	-	-	روستای حاج عبدال
-	-	-	-	2.0	1	-	-	شهر سردرود
-	-	-	-	2.0	1	-	-	شهر تهران
-	-	55.9	85	-	-	-	-	روستای دیزج لیلی خانی
-	-	1.3	2	-	-	-	-	شهر اهر
-	-	1.3	2	-	-	-	-	روستاهای دیگر
69.2	72	-	-	-	-	-	-	روستای هروی

ج 12. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه براساس محل استغال فعلی به تفکیک روستاهای.

مأخذ: مطالعات میدانی

محل استغال	فراوانی	درصد
کلانشهر تبریز	113	22.5
روستاهای مورد مطالعه	358	71.1
شهر باسمنج	23	4.6
شهر تهران	2	0.4
شهر بستان آباد	1	0.2
شهر هشتگرد	1	0.2
شهر اندیمشک	1	0.2
شهر رامسر	1	0.2
شهر سردرود	1	0.2
دیگر روستاهای	2	0.4
جمع	503	100

ج 13. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس محل استغال قبلی.

مأخذ: مطالعات میدانی

در روستای دیزج لیلی خانی ۲۷/۴ درصد سرپرستان خانوارها در شهر تبریز و ۶۵/۱ درصد نیز در خود روستا مشغول به کار بوده‌اند. این میزان در شهر باسمنج برابر ۵/۱ درصد و در شهرهایی چون تهران، هشتگرد، بستان آباد و اندیمشک هر کدام ۰/۶ درصد و در مجموع ۲/۴ درصد را شامل می‌شد و در روستای هروی نیز محل اشتغال قبلی ۲۴/۰ درصد سرپرستان خانوارها را شهر تبریز تشکیل داده است. این میزان در شهرهای باسمنج و رامسر به ترتیب ۲/۴ و ۰/۸ درصد را شامل می‌شد. بقیه سرپرستان خانوارها (۷۲/۸) در خود روستا مشغول به کار بوده‌اند (جدول شماره ۱۴).

جدول ۱۴ توزیع محل اشتغال قبلی سرپرستان خانوارها را به تفکیک روستاهای نشان می‌دهد. در روستای بیرق به ترتیب محل اشتغال قبلی ۶/۱۳ و ۴/۳ درصد خانوارهای مورد مطالعه شهرهای تبریز و باسمنج بوده است. بقیه سرپرستان نیز (۸۲/۱ درصد) در خود روستا مشغول به کار بوده‌اند. در روستای حاج عبدالعال اشتغال قبلی ۴/۲۵ درصد خانوارها شهر تبریز و ۳/۶۰ درصد نیز در خود روستا بوده است. شهرهایی چون باسمنج، تهران و سردوود به ترتیب با ۹/۶، ۷/۱ و ۹/۶ درصد دیگر شهرهای محل اشتغال سرپرستان مورد درصد بوده است. همچنین ۲/۳ درصد سرپرستان نیز در مطالعه بوده است. دیگر روستاهای مشغول به کار بوده‌اند.

هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدالعال		بیرق		روستاهای محل اشتغال
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
-	-	-	-	-	-	82.1	115	روستای بیرق
24.0	30	27.4	48	25.4	16	13.6	19	شهر تبریز
2.4	3	5.1	9	7.9	5	4.3	6	شهر باسمنج
-	-	-	-	60.3	38	-	-	روستای حاج عبدالعال
-	-	-	-	1.6	1	-	-	شهر سردوود
-	-	0.6	1	1.6	1	-	-	شهر تهران
-	-	27.4	48	-	-	-	-	روستای دیزج لیلی خانی
-	-	-	-	-	-	-	-	شهر اهر
-	-	0.6	1	-	-	-	-	شهر هشتگرد
-	-	-	-	-	-	-	-	شهر بستان آباد
-	-	0.6	1	-	-	-	-	شهر اندیمشک
0.8	1	-	-	-	-	-	-	شهر رامسر
-	-	-	-	3.2	2	-	-	روستاهای دیگر
72.8	91	-	-	-	-	-	-	روستای هروی

ج ۱۴. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه براساس محل اشتغال قبلی به تفکیک روستاهای.

مأخذ: مطالعات میدانی

به سطح سنجش و اندازه‌گیری متغیرها از دستورهای مناسب در نرم افزار spss 16 استفاده شده است. با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق حاضر، آزمون‌های آماری کای اسکویر(chi-square) و ضرایب همبستگی خی دو (Q) و V کرایمر وابسته به آزمون کای اسکویر برای تحلیل آماری مناسب بوده و در مورد برخی از متغیرها از آزمون تفاوت میانگین (T-Test) استفاده شده است. نتایج حاصل براساس آزمون‌های فوق الاشاره به شرح زیر می‌باشد:

در خصوص بررسی سؤال اول که "آیا مهاجرپذیری نقش عمدی در تغییرات کارکردی روستاهای ایفا می‌کند؟" جهت آزمون وجود رابطه بین دو متغیر مهاجرپذیری و نقش آن در تغییرات کارکردی روستاهای، با توجه به سطح سنجش متغیرها که در سطح آسمی دو حالت، می‌باشد از آزمون کای اسکویر استفاده

شده که نتایج بدست آمده به شرح زیر می‌باشد:

(chi-square=3/7 sig=0/000 v=0/645) چنانچه یافته‌ها نشان می‌دهد سطح معناداری به دست آمده در مقایسه با آلفای مورد نظر بیانگر وجود رابطه بین مهاجرپذیری و تغییرات کارکردی روستاهاست ($sig=0/000 < a=0/05$) و همچنین شدت همبستگی نشان می‌دهد که بین دو متغیر فوق همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد (0/65). به طوری که نتایج بررسی نشان داد تعداد سرپرستانی که با هدف اقامت دائم به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت کرده‌اند قابل توجه بوده است (28/8) درصد کل خانوارهای مورد مطالعه) و با توجه به اینکه هدف اغلب آن‌ها تأمین زمین و مسکن ارزان (59/4 درصد) و نیز انجام کار و فعالیت (21/4 درصد) در روستاهای بوده است، لذا این امر تأثیر به سزایی در تغییر کارکردی روستاهای می‌تواند داشته باشد. علاوه بر این اشتغال 51/2 درصد شاغلین در مناطق شهری بالاخص شهرهای تبریز و باسمنج، تغییر کارکردی روستاهای مورد

به طور کلی با دقت در داده‌ها می‌توان دریافت که تعدادی از سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه محل اشتغال خود را از روستا به شهر تبریز تغییر داده‌اند. به گونه‌ای که محل اشتغال حدود 5 درصد خانوارهایی که قبلًا در روستاهای خود مشغول به کار بوده‌اند، به شهر تبریز تغییر پیدا کرده است. این مورد در خصوص شهر باسمنج نیز صدق می‌کند (0/3 درصد). به عبارت دیگر حدود 3/5 درصد سرپرستان محل اشتغال خود را از روستا به دو شهر مزبور تغییر داده‌اند. علاوه بر این محل اشتغال 0/9 درصد خانوارهای مورد مطالعه به دیگر شهرها تغییر پیدا کرده است. گفتنی است 0/3 درصد خانوارهایی که محل اشتغال قبلی آن‌ها را دیگر روستاهای تشکیل می‌داد به روستاهای مورد مطالعه تغییر مکان داده‌اند (جدول شماره 15).

درصد		محل اشتغال
فعلي	قبلی	
27.4	22.5	کلانشهر تبریز
66.1	71.1	روستاهای مورد مطالعه
4.9	4.6	شهر باسمنج
0.9	1.8	دیگر شهرها
0.7	0.4	دیگر روستاهای
100	100	جمع

ج 15. مقایسه درصد تغییرات صورت گرفته در محل اشتغال سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه.

مأخذ: مطالعات میدانی

یافته‌های تحلیلی و نتیجه‌گیری

در این بخش روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته مورد آزمون قرار گرفته و نتایج به صورت تحلیلی ارائه می‌شود. لازم به ذکر است جهت پاسخگویی به سوالات و پی بردن به وجود رابطه بین متغیرها با توجه

عبارة دیگر بالغ بر 95/0 درصد شاغلین درون کوچ در این دو بخش اقتصادی مشغول به کار می‌باشند. علاوه بر درون کوچان دائم، نتایج بررسی نشان داد که در میان سرپرستان ساکن در خانه‌های دوم سهم شاغلین در بخش خدمات در تمامی روستاهای مورد مطالعه، در مقایسه با دیگر فعالیتهای اقتصادی بیشتر می‌باشد 71/7 (درصد) و عمدۀ اشتغال آن‌ها را اموری چون کار دولتی (5/33) درصد) و تجارت و مغازه‌داری (5/21 درصد) تشکیل می‌دهد. گفتنی است 6/16 درصد آن‌ها در بخش کشاورزی (عمدتاً باقداری) فعال می‌باشند و نتیجه کلی اینکه وابستگی‌های اقتصادی مهاجرین به لحاظ نوع اشتغال سبب گردیده است تا علاوه بر تغییر کارکردی روستاهای از کشاورزی به کارکردهای خدماتی و صنعتی از کارکرد سکونتی - خوابگاهی نیز برخوردار گردند.

ب) آیا محل اشتغال مهاجرین در تغییرات کارکردی روستاهای تأثیرگذار است؟ جهت به دست آوردن جواب این سؤال نیز با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرهای وضعیت اسکان و محل اشتغال فعلی و قبلی از آزمون کای اسکویر استفاده شده است. نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

(chi-square=210/794 sig=0/000 v=0/492)
محل اشتغال فعلی

(chi-square=234/116 sig=0/000 v=0/58)
محل اشتغال قبلی

نتایج حاصل از آزمون کای اسکویر نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین وضعیت اسکان و محل اشتغال فعلی و قبلی با تغییر کارکردی روستاهای وجود دارد. شدت همبستگی بین هر دو در حد متوسط می‌باشد. تغییر کارکردی روستاهای ممکن است محل اشتغال افراد را نیز تغییر دهد ($\text{sig} < \alpha$). نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به بزرگترین قطب جمعیتی، صنعتی و خدماتی شمال‌غرب کشور (شهر تبریز) نیز شهر باسمنج و ارتباط سریع و

مطالعه را به کارکردهای خدماتی، صنعتی و بالاخص سکونتی - خوابگاهی به خوبی نشان می‌دهد.

در مورد سؤال دوم که "آیا نوع و محل اشتغال سرپرستان خانوارها در تغییر کارکردی روستاهای تأثیرگذار است؟" (الف) آیا نوع شغل مهاجرین در تغییرات کارکردی روستاهای تأثیرگذار است؟" با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها (وضعیت اسکان و نوع شغل فعلی و قبلی) که اسمی چندحالته می‌باشد، از آزمون کای اسکویر استفاده شده است. نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

(chi-square=199/527 sig=0/000 v=0/479)
شغل فعلی

(chi-square=230/473 sig=0/000 v=0/514)
شغل قبلی

چنانچه نتایج حاصله در فوق نشان می‌دهد با توجه به سطح معنا داری به دست آمده که کوچکتر از آلفای مورد نظر است، رابطه معنا داری بین نوع شغل فعلی و قبلی مهاجرین با تغییرات کارکردی در روستاهای وجود دارد. به عبارت دیگر شغل فعلی و قبلی افراد در تغییرات کارکردی روستاهای اثر تعیین کننده‌ای دارد و شدت همبستگی در حد متوسط می‌باشد. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که با تغییرات کارکردی در روستاهای شغل قبلی دستخوش تحول گردیده است. لذا با تغییرات کارکردی در روستاهای ممکن است شغل قبلی افراد از بخش کشاورزی به بخش خدماتی تغییر یابد و شغل فعلی نیز می‌تواند بر تغییرات کارکردی تأثیر داشته باشد. نتایج حاصل از مطالعات نشان داد که همانند ساکنان بومی روستاهای درون کوچان دائم نیز به لحاظ نوع شغل وابستگی شدیدی به شهرهای فوق الاشاره دارند به طوری که 51/2 درصد درون کوچان شاغل در بخش خدمات (عمدتاً رانندگی و کارگری) و 44/2 درصد نیز در بخش صنعت مشغول به کار می‌باشند. به

آسان روستاهای این شهرها سبب گردیده است تا ساختار اقتصادی روستاهای تأثیرپذیری زیادی از شهرهای مزبور داشته باشد. نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهد که همانند ساکنان بومی روستاهای درون کوچان دائم نیز به لحاظ محل اشتغال وابستگی شدیدی به شهرهای فوق الاشاره دارند. به گونه‌ای که محل اشتغال ۶۳/۱ درصد سرپرستان شاغل درون کوچ را کلانشهر تبریز و ۱۶/۳ درصد را نیز شهر باسمنج تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر محل اشتغال حدود ۸۰/۰ درصد شاغلین به دو شهر مزبور اختصاص دارد. این امر حاکی از برخورداری روستاهای از کارکردهای خدماتی، صنعتی و خوابگاهی روستاهای دارد.

با بررسی عوامل و پدیده‌های تأثیرگذار بر تغییرات کارکردن روستاهای قبلاً به صورت توصیفی و تحلیلی تشریح گردید، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در کل، تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین کلانشهر تبریز با روستاهای مورد مطالعه، به مرور منجر به تغییرات کارکردن در روستاهای مورد مطالعه بهویژه در روستاهای هروی، دیزج لیلی خانی و حاج عبدالگردیده است.

از جمله تغییرات مهمی که عمداً متأثر از شهر تبریز بوده و در دهه‌های اخیر از رونق فراوانی برخوردار گردیده است، همانا تغییرات کارکردن منبعث از درون کوچی در برخی از روستاهای مورد مطالعه است. این ارتباط متقابل، تأثیرات قابل توجه مثبت و یا منفی متعددی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی کالبدی داشته است. به عنوان مثال به طوری که قبلاً نیز توضیح داده شد، شهر تبریز ضمن اینکه با ایجاد فرصت‌های شغلی و ارائه خدمات به روستائیان نقش مثبتی را ایفا کرده است (محل اشتغال ۲۷/۴ درصد شاغلین روستاهای کلانشهر تبریز تشکیل می‌دهد) در مقابل هجوم مردم شهرنشین به روستاهای به دلایلی چون

بهره‌گیری از زمین و واحدهای مسکونی ارزان قیمت (۵۹/۴ درصد) منجر به از میان رفتن زمین‌های زراعی، فضای سبز و بالاخص نابودی باغات و به تبع آن سبب تغییرات و دگرگونی‌های بس قابل توجهی در کاربری اراضی آن‌ها گردیده است. به طور کلی علاوه بر درون کوچی که به تدریج کارکرد روستاهای را از دیگر کارکردها و بهویژه کشاورزی به کارکردهایی چون خدماتی، کارگاهی - صنعتی تبدیل کرده است، قرارگیری شهرهای تبریز و باسمنج در نزدیکی روستاهای مورد مطالعه و اشتغال درصد قابل توجهی از ساکنان روستاهای در شهرهای مزبور، خواه ناخواه آن‌ها را از کارکرد سکونتی - خوابگاهی نیز برخوردار کرده است.

چنانکه ارقام نیز نشان می‌دهند تغییر نوع فعالیت اقتصادی از بخش کشاورزی به صنعت و بالاخص خدمات در تمامی روستاهای از جمله تغییرات کارکردن روستاهای مورد مطالعه به گونه‌ای که تعداد شاغلین در بخش کشاورزی از ۳۵/۰ درصد به ۱۸/۱ درصد کاهش یافته است. در مقابل شاغلین در بخش کشاورزی در بخش‌های صنعت و خدمات به ترتیب ۲۵/۲ و ۳۹/۸ و ۳۲/۵ به ۴۹/۴ درصد افزایش یافته است.

به طور کلی نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به بزرگترین قطب جمعیتی، صنعتی و خدماتی شمال غرب کشور (شهر تبریز) و نیز شهر باسمنج و ارتباط سریع و آسان روستاهای به این شهرها سبب گردیده است، تا تأثیرپذیری زیادی از شهرهای مزبور داشته باشند.

راهکارها و پیشنهادها

- ایجاد یک سیستم مؤثر و کارای مدیریتی در جهت رفع آشفتنگی کاربری اراضی و نظارت بر اجرای صلح قوانین و مقررات مربوط به کاربری زمین.
- ضمن تعیین حدود و شعور توسعه کالبدی روستا، جهت تأمین واحدهای مسکونی مورد نیاز روستائیان و یا

- صدرموسوی، میرستار. ۱۳۸۲، سیاستهای توسعه و استغال در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه. فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال سوم، شماره ۱۰.
- فرید، یداله. ۱۳۷۹، شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند.
- مهدوی حاججلوبی، م؛ مجتبی قدری، م؛ سنایی، م. ۱۳۷۸. نقش و تأثیر خانه‌های دوم بر ساختار اقتصادی، اجتماعی ناحیه کلاردشت. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۵، دانشگاه تهران.
- نظریان، اصغر. ۱۳۷۰، گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱.
- Berry, B.J.L. The Counterurbanization Process: Urban America Since 1970, (1979), In B.,J,L, Berry (ed), Urbanisation and Counterurbanization, Sage Publication, Bevery Hills: 17-30.
- Bonnamour. J. Geographic rural Metodes et perspectives du geographie applicable, (1973). M asson Paris, p-25.
- Glass. R,Urban Sociology, in Welford. A.T.et al(eds), Society: Problems and methods of Study, (1962), London. P.487.
- Pacion, M.Rural Geography, Happer and Row Publishers.
- Tumertacin, E,Ozguc, N. beseri Geography (insane, Kultur, nekan),(2004), Cantary. Yay.
- Hall.C.M, and Page, S.J. The Geography of Tourism and creation, (2002) Routledge, Second edition, p-339.
- محل استقرار فعالیتهای مختلف، تأکید بر استفاده مطلوب از اراضی و مکانیابی بهینه آنها در طرح‌های هادی روستایی به عنوان سند توسعه روستایی.
- دخالت دولت در بازار زمین به منظور جلوگیری از تخریب و انهدام زمینهای زراعی و باغی و محیط زیست.
- آموزش و ارتقای سطح آگاهی شهنشینان و روستاییان در جهت توجه به عواقب تغییرات کاربری اراضی مستعد کشاورزی به کاربریهای دیگر.
- ایجاد هماهنگی بین ارگانهای دولتی مرتبط با زمین و برخورد قاطع با متخلفین در جهت حفظ مزارع، باغات و جلوگیری از بورس بازی زمین.

فهرست منابع

- افراحته، حسین. ۱۳۸۴، تجارت فرامرزی، سیطره شهری و تغییر کارکرد روستایی نوونه موردی: ناحیه روستایی زاهدان. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره چهارم، بهار و تابستان
- تودارو، م. ۱۳۸۷، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه‌ی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، انتشارات بازتاب.
- رهنماei، محمدتقی. ۱۳۶۹، توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶.
- رضوانی، محمدرضا. ۱۳۸۲، تحلیل روند ایجاد گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی شمال تهران. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۹.
- رضوانی، محمدرضا. ۱۳۸۱، شهرگریزی و تغییرات کارکردی در نواحی روستایی شمال تهران. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۵، دانشگاه تهران.
- سلیمانی، مجید. ۱۳۸۱، دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای صنعتی. تحقیقات جغرافیایی، شماره‌های ۶۶-۶۵.
- شکویی، حسین. ۱۳۷۹، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری. سمت، تهران.